

معرفی و محتوای کتاب «کبیر الصحابة، ابوطالب رضی الله عنه» از عبدالرسول غفاری ابراهیم عبدی^۱

چکیده

شناساندن مطالعات و تحقیقات پژوهشگران، یکی از روش‌های مرسوم و تکمیلی یک پژوهش است. گاهی یک مسأله آن قدر مهم است که در تبیین آن تکنگاری شکل می‌گیرد به ویژه اگر مسأله از نوع مسائل اعتقادی باشد. ماجرای «ایمان ابوطالب» یکی از همین مسائل است که دست‌مایه بسیاری از مطالعات تاریخی - کلامی قرار گرفته است. در این بین یکی از مهم‌ترین نگاشته‌ها در خصوص شناساندن جناب ابوطالب رضی الله عنه و ایمان ایشان، کتاب «کبیر الصحابة ابوطالب رضی الله عنه» اثر دکتر عبدالرسول غفاری است. نویسنده برای اثبات ایمان ابوطالب رضی الله عنه در آغاز به ریشه‌یابی و تاریخ‌مندی مسأله پرداخته است. وی با سودجستن از ادله چهارگانه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و نیز مطالعه رفتارهای ابوطالب رضی الله عنه از جمله اشعار وی و تحلیل آنها، تلاش خود را در ۱۰ فصل سامان داده است. او تحلیل‌های خود را با عنوان «قال الغفاری...» به مخاطب عرضه می‌کند. شناخت نویسنده و کتاب وی موضوعی است که محتوای این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

ایمان ابوطالب، زعیم قریش، کتمان ایمان، دشمنی بنی‌امیه، تاریخ اسلام

درآمد

شناساندن یک پژوهش و تشویق دیگران به مطالعه یافته‌های پژوهشگران روشی مرسوم است. معرفی یک پژوهش یا یک اثر علمی، دارای گونه‌های مختلفی است که گاهی تکنگاری‌های گسترده‌ای در این خصوص نگاشته می‌شود. مسائل پژوهشی همیشه یک‌دست نیستند و چه بسا برخی از مسائل نسبت به برخی دیگر برتری دارند. تعیین‌کننده این برتری، نتایج و آثار آن مسائل است. امکان دارد مسأله‌ای از نوع مسائل فرعی فقهی باشد؛ ولی به لحاظ نتایج و آثار و ابتلای افراد

۱. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر قرآن و حدیث E.abdi۳۵۸@gmail.com

یا جامعه به آن، بسیار پُرارج جلوه کند. مسائل اعتقادی از این دست هستند. این مسائل اغلب دارای اهمّیت ویژه هستند زیرا نتایج آن به بهشت و دوزخ و خشنودی و ناخشنودی خداوند می‌انجامد.

در این میان یکی از مسائلی که خیلی پُرسو و صدا جلوه نموده، «ایمان ابوطالب علیه السلام» است. اهمّیت این مسأله از آنجا نمود پیدا می‌کند که اصحاب ائمّه علیهم السلام از ایشان درباره ایمان ابوطالب پرسش نموده و معصومان نیز در پاسخ فقط به یک «بله» یا «خیر» بسنده نکرده، بلکه پاسخ تفصیلی داده‌اند.^۲ این پرسش و پاسخ‌ها نشانگر زنده بودن این سخن در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. تلاش‌های طرفداران مکتب خلفا نیز به صورت حکومتی از زمان معاویه گواه این مطلب است^۳ که مسأله یا شده برای آنها نیز اهمّیت داشته است. دانشیان قرون مختلف نیز با همین عنوان (ایمان ابوطالب) به تکنگاری‌هایی پرداخته‌اند.^۴

از میان این نگاه‌ها، کتاب «کبیر الصحابه، ابوطالب» یکی از مهمترین آثار عصر کنونی است. این کتاب که گزارشات زیادی را در خود جای داده است، تلاش دارد، بیشتر با سودجستن از منابع عامّه، از طریق ادلّه چهارگانه (قرآن، سنّت، عقل و اجماع) کار نسبتاً جامعی را عرضه کند. این نوشتار پس از مطالعه چندباره کتاب «کبیر الصحابه، ابوطالب علیه السلام» مطالب آن را خلاصه کرده و نتایج آن در پی، ارائه خواهد شد.

الف) شناخت مؤلف

آشنایی با نویسنده و جایگاه او موجب شناخت بهتر نگاه‌اش می‌شود. این بخش به زندگی دکتر عبدالرسول غفاری و تلاش‌های علمی او می‌پردازد.

۱. زندگی

عبدالرسول غفاری در سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف دیده به جهان گشود. او با توجّه به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشت وارد حوزه نجف گردید و سپس وارد حوزه علمیه قم شد. در طیّ تحصیل از اساتید به‌نامی همچون آیات عظام حائری، شاهرودی، وحید خراسانی و ... کسب فیض نمود. او علاوه بر مدرک خارج حوزه دارای مدرک دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه «علیگره» کشور هند در سال ۱۳۶۹ می‌باشد. از وی آثاری به چاپ رسیده است که در ادامه فهرست آن عرضه می‌شود.^۵

۲. ن. ک: الامالی طوسی، ص ۳۰۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۰؛ بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، ص ۲۰۲؛ ایمان ابوطالب، ص ۱۰۳-۸۴؛ کنز الفوائد، ص ۱۸۳.

۳. ن. ک: شرح نهج‌البلاغه لابن ابی الحدید: ج ۱۳، ص ۲۲۰.

۴. ن. ک: مقاله کتاب‌شناسی حضرت ابوطالب علیه السلام، مجله آینه پژوهش، ش ۲۱، ص ۸۹.

۵. برگرفته از سایت: www.ghaffari.andishvaran.ir/fa/UserShowBook.html?ItemId=۲۴۸۴۲

۲. تلاش علمی

آقای دکتر عبدالرسول غفاری به جز این کتاب، ۴۹ اثر در کارنامه علمی خود به ثبت رسانده است.^۶ برخی از آنها بدین عنوان است:

- الشفقیه: دراسة موضوعیة لشخصیات تصدّت للخلافة الاسلامیة
- الامام علی علیه السلام رحمة و ذکرى
- صيانة العلوم الاسلامیة و دور علم الرجال فیها
- امیرالمؤمنین فی شعر السیدی الحمیری
- النقد الادبی بین النظریة و التطبيق
- کرامات الامام الحسین علیه السلام
- المنتخب من الكنوز و الاوراد
- قبس من کرامات الامام الحسین
- الادب السیاسی فی صدر الاسلام
- شبهة الغلو عند الشیعة
- الكلینی و خصومه
- الحسین من خلال القرآن الکریم
- المیسر فی علوم القرآن
- ملامح من شخصیة الامام علی علیه السلام
- فصول من العقیة
- المرأة المعاصرة
- شاعر العقیة المفجع البصری
- نشوء القراءات: بحث علمی استدلالی فی القراءات و اسباب الاختلاف فیها
- جمع القرآن بحث استدلال فی معنی الجمع و علی ید من جمع اولاً
- القراءات و الاحرف السبعة
- اصول القراءة و التجوید
- المحکم و المتشابه
- النسخ بین المفسرین و الاصولیین: دراسة موضوعیة شاملة فی انواع النسخ و ما قیل فیه
- الدلیل الثاقب علی ایمان ابی طالب علیه السلام
- شرح الاشباه

۶. فهرست کامل آثار در انتهای کتاب «کبیر الصحابه ابوطالب علیه السلام» آمده است.

ب) شناخت کتاب کبیر الصحابة ابوطالب رضی اللہ عنہ

در گام بعدی، خود کتاب، معرفی می‌شود. این بخش به توصیف نام کتاب، مقدمه و محتوای فصول دهگانه آن می‌پردازد.

۱. نام کتاب

نام کتاب به جای اینکه ترکیب صفت و موصوف باشد، یک ترکیب اضافی است. با این توضیح که نویسنده به جای اینکه از ترکیب «صحابی کبیر» که یک ترکیب وصفی معنادار ولی ساده است، سود ببرد، صفت «کبیر» را مضاف قرار داده است. با این کار، معنا اینگونه می‌شود: «بزرگ صحابه». حال با آخر آوردن «ابوطالب»، گامی دیگر در جلوه ادبی عنوان برداشته است تا ذهن مخاطب را درگیر کند که بزرگ صحابه کیست؟! بنابراین با آوردن «ابوطالب»، کار را تکمیل کرده است. نویسنده با انتخاب این ترکیب، لطافت و شکوه فاعلی را در معرفی و اثبات ایمان جناب ابوطالب رضی اللہ عنہ به خدمت گرفته است.

۲. مقدمه مؤلف

همیشه مقدمه نشانگر اهداف، انگیزه‌های نویسنده و شالوده کتاب و اندیشه مؤلف است. این کتاب بهره‌مند از مقدمه است. نویسنده در آغاز مقدمه، انسان‌ها به دو دسته «خیر البریة» و «شر البریة» تقسیم نموده و سپس اظهار می‌دارد که دست‌ساز این انسان‌ها هم منسوب به همان دسته خواهد بود. او می‌نویسد:

«شر البریة» در تلاشند که یک چهره خوب از خود نشان بدهند. آنها همیشه دو سناریوی فعال دارند: یکی اینکه به چهره «خیر البریة» چنگ بزنند و آن را زخمی کنند؛ دوم اینکه چهره بدان را اصلاح کنند.

نویسنده با تشریح قبائل عرب و معرفی بدان، فعالیت آنان در خصوص ابوطالب رضی اللہ عنہ را ذیل سناریوی یکم دانسته است. او درباره ایمان ابوطالب افزون بر اشاره به تلاش پیشینیان از زمان معاویه تاکنون، به حمله سازماندهی شده هر ساله برخی از علمای عامه مالزی و شرق آسیا به جناب ابوطالب در ماه رجب اشاره نموده است. وی در پایان مقدمه به این نکته اشاره کرده است:

این لجن پراکنی‌ها میوه کینه گذشتگان است که سینه‌به‌سینه به نسل حاضر رسیده است.

وی تأکید می‌کند منافقینی که اینگونه لجن‌پراکنی می‌کردند، با نگاه به بزرگان یهودی خود، تشکیک در ایمان ابوطالب رضی اللہ عنہ را به دنبال سب علی رضی اللہ عنہ و ترور شخصیتی ایشان در دستور کار قرار دادند.

۳. فصول کتاب (تنه اصلی کتاب)

این کتاب در ۱۰ فصل سامان یافته است که در ادامه به عناوین و محتوای هر فصل اشاره خواهد شد.

فصل یکم: ادیان عرب و کشمکش‌های قبیله‌ای

نویسنده در این فصل به مباحث مقدماتی پرداخته است تا بتواند ریشه‌های بحث را در اختیار مخاطبان قرار دهد. به همین منظور ۲۵ موضوع را سامان می‌دهد. از این شمار، ۲۰ عنوان به شناساندن قریش، امیه، عبدالشمس، ابوسفیان و معاویه معطوف شده است. او در این بخش‌ها شجره ملعونه و دشمنی‌های بنی‌امیه با پیامبر ﷺ را بررسی و رفتارهای اموی که ریشه‌های حقد و کینه را قوی نموده، ترسیم می‌کند. وی از عنوان ۲۱ تا ۲۳ به معرفی جایگاه هاشم و عبدالمطلب پرداخته و در عناوین ۲۴ و ۲۵ با تمسک به روایتی از امام باقر ﷺ، اسلام و ایمان را تعریف کرده و طالب ﷺ را فردی با ایمان معرفی کرده است.

در حقیقت در این فصل از دو روش برای اثبات ایمان جناب ابوطالب ﷺ سود برده شده است:

- روش یکم: ترسیم و تبیین جایگاه فکری و عقیده‌ای قبایل مطرح و بررسی رفتارها و ضدیت‌های آنها با بنی‌هاشم به ویژه با ابوطالب ﷺ، پیامبر ﷺ و علی ﷺ و در نتیجه، سر بیرون آوردن این تقابل‌ها به صورت یک جریان منضبط توسط معاویه (عناوین ۱ تا ۲۰).

- روش دوم: طرح بحث اسلام، ایمان و تعریف آنها و تطبیق ابوطالب با تعریف یادشده. چنانچه از راه تحلیل رفتارهای ابوطالب مانند سروده‌های او، موحد بودنش اثبات می‌گردد. نویسنده از عنوان ۲۱ تا آخر به این روش کار کرده است.

فصل دوم: چرا ابوطالب ایمانش را پنهان کرد؟

نویسنده در این فصل، نظریات چهارگانه در مورد ابوطالب را مطرح و به دلیل محتوای اشعار توحیدی ایشان، نظریه کفر ابوطالب را رد می‌کند. او سپس نسب ابوطالب ﷺ و جایگاه وی را پس از عبدالمطلب ﷺ تشریح نموده است و در ادامه به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا ابوطالب، ایمانش را پنهان کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، وی ابتدا به شرح زعامت عبدالمطلب و جایگاه او پرداخته است و پسان‌تر از انتقال زعامت ایشان به ابوطالب سخن به میان می‌آورد و ایمان را در دوره زعامتش بدین‌گونه تحلیل نموده، می‌نویسد:

در مقابل ابوطالب دو راه وجود داشت: یکی اینکه زعامت و ریاست قریش را رها کند. این راه موجب می‌شد که نتواند به پیامبر کمک کند و جایگاه بنی‌هاشم را به شدت پایین می‌آورد. دوم اینکه زعامت و ریاست را داشته باشد و در پوشش آن یاری پیامبر ﷺ را تضمین کند.

نویسنده بر این باور است که او راه دوم را برگزید و به همین دلیل، ایمان خود را کتمان کرد و در تکمیل این تحلیل به افرادی که نامشان در قرآن با همین عنوان یعنی کتمان‌کنندگان ایمان آمده است مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، اصحاب کهف و مؤمن آل فرعون اشاره نموده است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید آقای غفاری برای تحلیل مسأله از تحلیل فضای حاکم بر دوران ابوطالب سود برده و با این روش، ایمان او را نتیجه گرفته و از این رهگذر، تحلیل وی متقن گردیده است.

نویسنده در پی، با تاریخ‌مندی مسأله، پرسش مهم دیگری مطرح می‌کند و می‌نویسد: مهم این است که دانسته شود تشکیک در ایمان ابوطالب علیه السلام از چه زمانی آغاز شده است؟

وی در پاسخ به این پرسش بنیادین می‌نویسد:

در تمام عصر پیامبر صلی الله علیه و آله دو نفر هم در این مورد اختلاف نداشتند بلکه در دوران امام علی و امام حسن علیهما السلام نیز این مسأله مطرح نبوده است. در عین حال وقتی به دوران معاویه می‌رسیم کارها برعکس می‌شود و معاویه با یک بخشنامه حکومتی، سب علی علیه السلام و نکوهش شیعیان و بنی‌هاشم را به سراسر سرزمین اسلامی ابلاغ می‌کند و افرادی را برای جعل و وضع حدیث در این خصوص می‌گمارد. برای نمونه مروان با همه باورش به دفاع علی علیه السلام از عثمان علت سب علی علیه السلام را اینگونه بیان می‌کند: «إِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَنَا الْأَمْرُ إِلَّا بِذَلِكَ؛ کار ما جز با سب علی سامان نمی‌یابد!

دکتر غفاری در بخش دیگری ازین فصل به صورت مبسوط به ادله منکران ایمان جناب ابوطالب علیه السلام پرداخته است که می‌توان آن را اینگونه گزارش نمود:

ادله مشککین ایمان ابوطالب

او ادله تشکیک‌کنندگان در ایمان ابوطالب را در قالب ادله قرآنی و روایی بدین شرح بیان و رد نموده است:

- آیات

نویسنده به سه آیه از آیات قرآن که مورد استدلال مشککین در ایمان ابوطالب علیه السلام است، اشاره نموده، به آنها جواب داده است. آیات ۱۱۹ سوره بقره، ۱۱۴ سوره توبه و ۵۶ سوره قصص. برای نمونه در خصوص آیه ۱۱۹ سوره بقره اینگونه نوشته است:

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ؛^۷

۷. ترجمه آیات، از آیت الله مکارم شیرازی است.

ای پیامبر ما تو را با محوریت حق برای مژده‌دادن به وعده‌های الهی و هشداردادن نسبت به مجازات الهی فرستاده‌ایم و تو مسؤول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی!

گفته شده این آیه در مورد ابوطالب رضی الله عنه است؛ ولی به دلیل آیات پیشین و پسین آیه یادشده، این آیه در مورد قوم یهود است و برخی از مفسران مانند فخر رازی، زمخشری و بیضاوی بر همین باورند.

- روایات

عمده روایات این بخش همان حدیث «ضحاح» است. دکتر غفاری در آغاز، مسیرهای چهارگانه نقل این روایت را از عامه بیان کرده است. برای نمونه یکی از مسیرهای نقل این حدیث چنین است:

عبدالله بن الحارث قال: سمعتُ العباسَ يقولُ: قلتُ يا رسولَ الله إنَّ اباطالبَ كانَ يحوطُك و ينصرُكَ فهل نفعهُ ذلك؟ قال: نَعَمْ وَجَدتُهُ فِي غَمراتِ النَّارِ فَأَخْرَجتُهُ إلی ضَحاحٍ.

عبدالله بن الحارث می‌گوید از عباس شنیدم که می‌گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم ابوطالب تو را مراقبت و یاری نمود. آیا این کارها برایش سودی بخشید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بله من او را در ژرفای آتش یافتم و به خاطر خدماتش او را به عمق کمی از آتش نجات دادم (عذابش را کم کردم)

سپس شرح حال رجالی تک‌تک راویان حدیث ضحاح را ذکر کرده است. او پس از شرح حال نه نفر از این راویان و بیان جرح آنان از مصادر رجالی عامه به جنبه دلالی حدیث پرداخته و می‌نویسد:

«ضحاح» به معنای نور، چیزی که نور خورشید به آن تابیده باشد و آب کم عمق است.

او در ادامه اینگونه تحلیل کرده است:

اگر مشککین در ایمان ابوطالب ضحاح را به معنای «آب کم عمق» بگیرند حدیث به دردشان می‌خورد و اگر ضحاح به معنای آتش باشد که آنها مد نظرشان همین است، سودی برای ایشان ندارد چه اینکه خروج از عمق آتش به آتش کم، دردی را دوا نمی‌کند و آتش، چه کم و چه زیاد، سوزندگی و اثر خود را دارد.

در آخر می‌پرسد:

شگفتا از این جعل «مغیره بن شعبه» که چگونه «ضحاح» در طول سالها ابوطالب رضی الله عنه را به آتش نکشیده است؟!

نویسنده در تکمیل استدلال خود بر پایه واژه پژوهی و با تشکیل خانواده حدیث و بیان کاربرد این واژه به معنای نور در روایات، به حدیثی در خصوص ماجرای سیر شبانه پیامبر ﷺ اشاره کرده است که در روایات، ضحضاح با ترکیب «ضحضاح من نور» آمده است و این نشان از معنای واقعی ضحضاح است.

به هر روی، نویسنده در این فصل دو پرسش بنیادین طرح نموده است. یکم اینکه چرا ابوطالب ﷺ ایمانش را کتمان کرد؟ او با این پرسش به ریشه مسأله اشاره می‌کند. دوم اینکه پنداره کفر ابوطالب از چه زمانی کلید خورد؟ او با این پرسش، پنداره کفر ایشان را تاریخ‌مند ساخته است. وی در ادامه، ادله قرآنی و روایی تشکیک‌کنندگان در ایمان ابوطالب را طرح و یکی‌یکی رد نموده است و در رد استدلالات مشککین از قواعد مختلف لغوی، حدیثی و اصولی سود برده است.

فصل سوم: ابوطالب بزرگ صحابه پیامبر و روایات نبی اکرم ﷺ

نویسنده در آغاز این فصل از روایتی به نقل از «الخراج و الجرائح» راوندی سخن به میان آورده است. در این روایت آمده است که پیامبر ﷺ به درخت خرما می‌فرماید:

من گرسنه‌ام.

در این هنگام درخت شاخه‌های خود را به حضرت نزدیک و خرمای خود را به وی تقدیم می‌کند. فاطمه بنت اسد که راوی این گزارش است وقتی این مطلب را به ابوطالب ﷺ منتقل می‌کند، او به نبی بودن پیامبر ﷺ تصریح کرده و برایش خیلی شگفت‌انگیز نمی‌نماید و می‌گوید:

ای فاطمه تو فرزندی می‌آوری که وزیر او خواهد شد.

نویسنده در تحلیل این گزارش می‌نویسد:

این گزارش دال بر باور راسخ ابوطالب به برادرزاده‌اش است. وی همچنین برای نشان دادن بزرگ‌بودن ابوطالب ﷺ برخی از فرازهای خطابه ابوطالب در دعوت پنهانی خانواده توسط پیامبر به دین اسلام را گزارش کرده است. برای نمونه به این فراز بنگرید:

ما احبّ الینا معاونتک و اقبلنا لنصیحتک و اشدّ تصدیقنا لحدیثک
... انی اسرعه‌م الی ما تحبّ فامض لما امرت به فوالله لا ازال احوطک
و امنعک ...

آنچه که برای ما دوست‌داشتنی است، کمک به تو، پذیرش خیرخواهی تو و گواهی‌نمودن سخنان توست. اینان که گرد هم آمده‌اند خانواده پدری تو هستند و من هم قطعاً یکی از اینها هستم ولی فرق من با آنها این است که من نسبت به آنچه تو دوست داری شتابان‌تر از بقیه حرکت می‌کنم. پس حکم کن و دستور بده. به خدا قسم من از حمایت از تو دست برنخواهم داشت ...

دکتر غفاری می‌نویسد:

دلالت این عبارات بر ایمان ابوطالب علیه السلام به خدا و پیامبر، آشکار است.

افزون بر این موارد، نویسنده در این فصل به گزارشات مختلف از جمله خطبه ابوطالب زمان خواستگاری و عقد فاطمه بنت اسد و خطبه خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله که ابوطالب آن را خوانده است، می‌پردازد. این عبارات گذشته از آنکه علاقه ابوطالب نسبت به ابراهیم علیه السلام و برادرزاده‌اش و اعتراف به شأن والای او را نشان می‌دهد، سراسر توحیدی است. همچنین وی با بیان یکی از اشعار ابوطالب علیه السلام، محبت او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله را اثبات نموده است:

حلیماً رشیداً حازماً غیر طائشٍ یوالی اله الخلق لیس بماحلٍ
فایده ربُّ العباد بنصره و اظهر دیناً حقه غیر باطلٍ

نویسنده در ادامه به ۱۱ عنوان از رفتارهای ابوطالب اشاره می‌کند: دیدار او با بحیرا در سفر به شام و تبیین شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای بحیرا، کمک‌های ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله جابجایی ایشان در شب‌های سخت شعب ابی‌طالب، حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله در دعوت نزدیکان به اسلام، دفاع از عثمان بن مظعون و دینداری او زمانی که قریش به وی صدمه زدند، دست رد بر گروه اعزامی از طرف قریش برای تسلیم پیامبر به قریش در برابر پول، شجاعت در علنی کردن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، نامه به نجاشی، تکفل امور مکه در غیبت چند ساعته پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام سیر شبانه و پاکیزه نمودن خانه خدا، امر به برداشتن محتویات شکمبه شتر از پشت پیامبر صلی الله علیه و آله و شست‌وشوی ایشان و سپس دفاع از پیامبر، حدیث صحیفه و نیز وصیت ابوطالب علیه السلام هنگام مرگ که فرمود:

أنی اوصیکم بمحمد خیراً فإنه امین فی قریش و الصدیق فی العرب.

من شما را به نیکی در حق محمد سفارش می‌کنم؛ زیرا او امین قریش و راستگوی عرب است.

وی با این همه، در پایان روایتی از ابوطالب در خصوص تصدیق دعوت پیامبر و راستی نبوتش نقل کرده است.

نویسنده در این فصل کوشیده است گزارشات مختلفی را گرد آورد که نشانگر بزرگی و جایگاه والای ابوطالب علیه السلام و نیز دفاع او از اسلام است. مؤلف برای این مهم به تحلیل محتوای سخنان، اشعار و رفتارهای جناب ابوطالب پرداخته است.

فصل چهارم: ایمان ابوطالب علیه السلام در قرآن

نویسنده در آغاز این فصل به سه آیه به عنوان ادله قائلان به کفر ابوطالب اشاره می‌کند. این آیات عبارتند از: ۲۶ سوره انعام، ۱۱۳ سوره توبه و ۵۶ سوره قصص. وی روایات تفسیری ذیل این آیات را بررسی نموده، آنها را جعلی و بی‌اعتبار دانسته است. او علت جعلی بودن این روایات را وجود برخی از افراد ضعیف یا جاعل مانند سفیان ثوری، سعید بن مسیب، اسحاق بن ابراهیم، ابوهریره و مسیب بن حزن بیان کرده است. برای نمونه در مورد مسیب بن حزن می‌گوید:

او در سال هفتم هجری اسلام آورد؛ یعنی بعد از وفات ابوطالب (سال ۱۰ هجری). پس چگونه می‌تواند شاهد احتضار او بوده باشد در حالی که وفات ابوطالب سه سال پیش از هجرت بوده است؟!

نویسنده پس از این به آیات دال بر ایمان ابوطالب علیه السلام اشاره و آن را تحلیل نموده است. او با یادکرد ۱۶ آیه و همچنین روایتی از امام رضا علیه السلام ایمان ابوطالب علیه السلام را اثبات می‌کند. از جمله این آیات، می‌توان به این آیه اشاره کرد:

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.^۸

پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

وی در پایان فصل از افرادی یاد کرده است که به آزاردهندگان پیامبر، معروف هستند و به عبارتی، جهت نشانه کفر را به سمت مصادیق واقعی سوق داده است.

در مجموع، نویسنده در بخش آغازین این فصل کوشیده است ادله قرآنی شک‌کنندگان در ایمان ابوطالب علیه السلام را بیان و رد کند و در بخش دیگر، آیات اثبات‌کننده ایمان ایشان را طرح و تبیین نماید.

فصل پنجم: ایمان ابوطالب علیه السلام از نگاه سنت

نویسنده در این بخش ابتدا از مصادر عامه چهره واقعی ابوطالب را در خلال ۱۳ روایت نبوی آشکار می‌کند و در بخش بعدی، ایمان ابوطالب را با ۱۱ دلیل اثبات می‌نماید. وی در پی هر دلیل، از روایات مختلفی سود برده و تلاش کرده است تا از منابع عامه باشد. او یک بخش نیز به سیره فاطمه بنت اسد اختصاص داده و در میان روایات استفاده شده، دستور امام صادق علیه السلام به داوود رقی در خصوص به جا آوردن طواف به نیت ابوطالب را ذکر کرده است. نویسنده به روال معمول خود با یک جمله شرطیه می‌نویسد:

اگر ابوطالب ایمان نداشت، دستور امام صادق علیه السلام به طواف به جای او بیهوده بود!

دکتر غفاری در این فصل با تأکید بر منابع روایی اهل سنت، ایمان ابوطالب را اثبات کرده است.

فصل ششم: دلیل عقلی بر ایمان ابوطالب علیه السلام

نویسنده در این فصل بیشتر به تحلیل عقلی پرداخته و به عبارتی گزارشات موجود را تحلیل عقلی نموده است. جالب اینکه اگرچه وی از این روش در فصول دیگر نیز سود برده، ولی در این فصل گزارشات جدیدی ارائه نموده است و به علت فحوص بسیار، گزارشات تکراری نمی‌آورد.

او در آغاز فصل در مورد تقیه سخن گفته و آن را از جهت لغت و اصطلاح بررسی نموده است. دکتر غفاری تقیه را از این جهت که روش و رفتاری عقلایی است، بحث کرده و از این رهگذر، رفتار ابوطالب علیه السلام و کتمان ایمان او را تبیین نموده است. وی از خلال تعریف اصطلاحی تقیه به نقل از شیخ مفید (ره) به ویژه عبارت «... بما یعقب ضرارا فی الدین و الدنیا» خواسته به خواننده بفهماند که کتمان ایمان ابوطالب علیه السلام پشتوانه عقلی دارد. وی به تقیه و کتمان ایمان حضرت ابراهیم علیه السلام، اصحاب کهف و مومن آل فرعون اشاره می‌کند.

نویسنده پس از طرح مسأله تقیه، رفتارهایی را از ابوطالب علیه السلام یاد کرده و با سود جستن از تحلیل عقلی و طرح پرسش، ذهن خواننده را با مسأله درگیر کرده است. برای نمونه، خوشحالی ابوطالب از اسلام آوردن حمزه علیه السلام را ذکر کرده و می‌نویسد:

اگر او موخذ نبود از اسلام آوردن حمزه خوشحال نمی‌شد.

نویسنده از نمونه‌های دیگری نیز برای اثبات عقلی ایمان ابوطالب سخن به میان آورده است؛ مثلاً نقشه انگشتر او که منقش به این عبارت بود:

رَضِيتُ بِاللّهِ رَبًّا وَ ابْنَ آخِي مُحَمَّدَ نَبِيًّا وَ بَابِنِي عَلِيَّ لَهُ وَصِيًّا.
به پروردگاری خداوند، نبی بودن برادرزاده‌ام و وصی بودن پسر من علی
خشنودم.

او همچنین به متن دعای ابوطالب علیه السلام پس از ماجرای بازکردن در صندوق عهدنامه که موریانه، عهدنامه را به جز نام خدا خورده بود، اشاره نموده است:

اللَّهُمَّ انصُرْنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَ قَطَعَ أَرْحَامَنَا وَ اسْتَحَلَّ مَا يَحْرُمُ عَلَيْهِ
مِنَّا.

خداوندا، ما را در برابر کسانی که به ما ستم کردند، کسانی که رشته خانوادگی را بریدند و کسانی که حرمت ما را پاس نداشتند، یاری نما.

او به موارد دیگری نیز از جمله دعای باران ابوطالب نیز اشاره نموده است. وی در تحلیل متون منقول از ابوطالب علیه السلام می‌نویسد:

اگر ابوطالب علیه السلام موخّد نبود، نقش انگشترش غیر از این بود و اگر او موخّد نبود در ماجرای دعای مربوط به عهدنامه به خدا پناه نمی‌بُرد و برای باران از خدا درخواست نمی‌کرد! با این همه دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پس از وفات ابوطالب علیه السلام بهترین گواه بر ایمان و دلدادگی پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوطالب علیه السلام است.

نویسنده سپس اینگونه استدلال کرده:

پیامبر صلی الله علیه و آله همجواری با مطعم بن عدی را به خاطر شعر تحمّل نکرد، چگونه امکان دارد با ابوطالب مشرک سال‌ها همدوش باشد؟! وی در ادامه به روایتی از علی بن اسباط از قول امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند که فرمود:

حضرت جبرئیل از طرف خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام رساند و فرمود: آتش بر یک صُلب و یک بطن و یک حجر حرام است. صُلبی که تو را نازل کرد یعنی عبدالله بن عبدالمطلب، رجمی که تو را حمل کرد یعنی آمنه بنت وهب و دامنی که متکفل پرورش تو بود یعنی ابوطالب. او در ادامه به حدیث شفاعت و حدیث کناسه از منابع عامّه پرداخته و آن را نقد نموده است. نویسنده به محبت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به ابوطالب اشاره کرده و ذیل آیه ۲۲ سوره مجادله آن را تحلیل نموده است. در آخر این قضیه، خواب و تخفیف عذاب او را به خاطر بشارت ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کرده و در تحلیل آن نوشته است:

چگونه می‌شود ابولهب کافر به خاطر بشارت ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله تخفیف عذاب پیدا کند ولی ابوطالب با آن همه خدمات و پایداری در حمایت از دین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله خدا مستحق بهشت نباشد؟!

او در پایان افزوده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب، گریست که همین نیز در کنار ادله دیگر، نشانه جایگاه والای ابوطالب نزد پیامبر خداست.

در مجموع، نویسنده در این فصل، با بهره‌گیری از تحلیل عقلی رفتار و گفتار ابوطالب علیه السلام به اثبات ایمان ایشان پرداخته است.

فصل هفتم: اثبات ایمان ابوطالب علیه السلام از راه اجماع

نویسنده در آغاز این فصل توضیح کوتاهی در مورد مسأله اجماع ارائه داده است. وی فصل را در دو بخش سامان می‌دهد؛ بخش یکم در مورد اجماع اهل بیت علیه السلام نسبت به ایمان ابوطالب است. او در این بخش تک‌تک امامان را نام برده و ذیل نام هر امام، یک روایت در راستای ایمان ابوطالب علیه السلام آورده است. برای نمونه روایتی از امام علی علیه السلام را نقل نموده که در آن، امام در پاسخ به فردی که ابوطالب علیه السلام را معذّب در آتش دانسته، فرمودند:

آیا ممکن است پسر، جداکننده بهشت و جهنّم باشد ولی پدر، معذّب در آتش باشد؟!

به همین منظور بحثی نسبتاً مبسوط را در مورد «قسیم النار و الجنة» بودن علی علیه السلام نگاشته است.

او به روایتی از امام رضا علیه السلام ذیل آیه ۱۱۴ سوره نساء اشاره نموده است:

هر کسی که اقرار به ایمان ابوطالب نکند، بازگشتش به آتش است.

جالب اینکه برخی از یاران امام رضا علیه السلام درستی حدیث «صَحْحاح» را از ایشان پی‌جویی می‌کنند و امام این جمله را می‌فرماید.

به هر روی نویسنده در پایان این بخش، اتفاق امامان علیه السلام را نتیجه می‌گیرد.

بخش دوم، اجماع علما را مدّ نظر قرار داده است. او گزارش این اجماع را از شیخ صدوق علیه السلام و مفید علیه السلام آغاز کرده و تا علمای معاصر ادامه داده است که جمعاً شامل ۱۶ نفر می‌شود.

نویسنده در مجموع این فصل به اتفاق ائمّه علیه السلام و دانشیان شیعه در خصوص ایمان ابوطالب علیه السلام اشاره نموده است.

فصل هشتم: گواهی صحابه بر ایمان ابوطالب علیه السلام

در این فصل از گواهی صحابه نسبت به ایمان ابوطالب علیه السلام سخن به میان آمده است. نویسنده برای این منظور، نام شش نفر از صحابه را می‌برد که عبارتند از: عباس بن عبدالمطلب، ابوبکر بن ابی‌قحافه، ابوالجهم بن حذیفه، ابوذر غفاری، حسان بن ثابت. سپس به نظر ۲۵ نفر از علمای مذاهب در خصوص ایمان جناب ابوطالب علیه السلام پرداخته است. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی و ابن‌اثیر از این جمله هستند. برای نمونه، سبطین جوزی، ایمان ابوطالب علیه السلام را محرز دانسته است. سیوطی نیز در روایتی نبوی با سند خودش از قول ابوسعید خدری اینگونه نقل کرده است:

أَمَّا عَبْدٌ مُنَافٍ فَيَكُنِّي بَابِي طَالِبٍ فَلَهُ وَ لَوْلَا لَهُ الْمَطَاوِلَةُ وَ الرَّفْعَةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

عبدمناف که کنیه‌اش ابوطالب است، او و فرزندش تا روز قیامت برتر و بزرگ هستند.

نویسنده در این فصل از یاران پیامبر ﷺ به عنوان گواهان بر ایمان ابوطالب ﷺ نام برده است. وی در واقع حلقه گمشده اجماع در خصوص ایمان ایشان را کامل نموده است.

فصل نهم: اشعار ابوطالب ﷺ زبان گویای ایمان او

یکی از روش‌های تحلیل شخصیت‌ها، مطالعه آثار آنان است. نویسنده با در نظر گرفتن این قاعده و به کارگیری آن در فصول پیشین، در این فصل به صورت گسترده سروده‌های ابوطالب ﷺ را ذکر کرده، به تحلیل آنها پرداخته است. این اشعار، نشانگر ایمان است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

يا شاهدَ اللَّهِ عَلَيَّ فَاشْهَدْ اَنِّي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ أَحْمِدُ

خدایا شاهد من هستی، پس گواه باش که من مطابق آیین احمد پیامبر هستم.

مَنْ ضَلَّ فِي الدِّينِ فَإِنِّي مُهْتَدٌ

هر کسی که در دین گمراه شود، ولی من هدایت شده هستم.

و مَنْ فَوْقَ السَّمَاءِ لَهُ بِحَقِّ مَنْ تَحْتَ السَّمَاءِ لَهُ عَبِيدٌ

کسی که در بالای آسمان است (خداوند) حق (ولایت و خدایی) دارد. و کسی که در زیر آسمان است نسبت به او بنده هستند.

مَلِيكُ النَّاسِ لَيْسَ بِهِ شَرِيكٌ هُوَ الْوَهَّابُ وَالْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ

پادشاه بشر است که هیچ شریکی ندارد. اوست که بخشنده، آغازگر آفرینش و بازگشت همه به سوی اوست.

نویسنده در ضمن بیان نظر عمر بن خطاب در مورد دو بیت شعر از یک فرد در عصر جاهلیت به نام زهیر بن ابی سلمی که محتوای آخرتی داشته، می‌گوید:

عمر بن خطاب دو بیت شعر از زهیر بن ابی سلمی که در عصر جاهلی می‌زیسته، خواند و گفت این شعر، شعر فرد مؤمن است و با این شعر وارد بهشت می‌شود.

او پس از گزارش این مطلب می‌نویسد:

اگر یک فرد به گفته عمر بن خطاب با دو بیت شعر در کارنامه‌اش، وارد بهشت بشود، آیا ابوطالب ﷺ با آن همه شعر توحیدی، بهشتی نیست؟! آیا آن همه اشعار، دلالت بر ایمان به خدا و رسول و رسالت رسول و انبیای پیشین نمی‌کنند؟!

نکته دیگری که در این فصل گزارش شده، روایتی است که می‌گویند:

امیه بن ابی صلت با شنیدن شعر ابوطالب به اسلام نزدیک شد.

نویسنده می‌نویسد:

چگونه می‌شود یک کافر، فردی را به اسلام نزدیک کرده باشد؟! دکتر غفاری در این فصل بر پایه اصول تحلیل محتوا، اشعار ابوطالب را دست‌مایه تحلیل قرارداده، در دفاع از ایمان ابوطالب کوشیده است.

فصل دهم: ابوطالب علیه السلام و حدیث معراج

پنداره منکرین ایمان ابوطالب علیه السلام این است که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سیر ایشان در شب برای شادکردن آن حضرت در عام الحزن بوده و به برکت وفات ابوطالب علیه السلام رخ داده است. بدین جهت نویسنده به علت اصلی معراج پیامبر صلی الله علیه و آله از قرآن پرداخته است. وی به صورت روشن از این آیه یاد کرده است:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ^۹

پاك و منزّه است خدایى كه بنده‌اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصى - كه گرداگردش را پربركت ساخته‌ايم - برد، تا برخى از آيات خود را به او نشان دهيم؛ چراكه او شنوا و بيناست.

نویسنده با این کار از انحراف دلیل معراج از مسیر اصلی جلوگیری کرده است و می‌نویسد:

معراج به خاطر نشان دادن آیات الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او در تکمیل بحث معراج می‌پرسد:

آیا عام الحزن سبب اسراء بوده یا چیز دیگری؟! چگونه می‌توان باور کرد پیامبر صلی الله علیه و آله برای یک کافر این قدر اندوهگین شده است که فقط با رفتن به معراج و سیر شبانه، قلبش آرام می‌شود؟! آیا این تناقض نیست؟!

نویسنده در این فصل یک شبهه در مورد مسأله معراج را مطرح نموده و با سودجستن از قرآن، تحلیل محتوا و گزارشات تاریخی، این پنداره را که «علت معراج، عام الحزن و به برکت وفات ابوطالب علیه السلام است» مردود اعلام کرده، برعکس، وقوع معراج در زمان حیات ابوطالب و نگرانی‌های ابوطالب علیه السلام در نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و به دست گرفتن زمام امور مکه در این بازه زمانی کوتاه توسط ایشان را گزارش کرده است.

نتیجه

نویسنده در کتاب کبیر الصحابة کوشیده است از چند مسیر، ایمان ابوطالب رضی الله عنه را ثابت کند. او ابتدا با ترسیم وضعیت قبایل عرب به ویژه قریش، رویارویی‌های قریش با بنی‌هاشم را ریشه مسأله دانسته و اجرای این پروژه و بروز این کینه را از زمان معاویه شمرده است. سپس با پرداختن به ادله چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع و طرح ادله موافق و مخالف، ایمان ابوطالب را اثبات می‌کند. او بیشتر کوشیده است در نقل گزارشات و روایات، از منابع عامه سود ببرد و در جرح و تعدیل راویان سنی با مبانی خودشان عمل کند. وی پسان‌تر با سودجستن از یک روش عقلایی برای تحلیل یک شخصیت، به تحلیل محتوای اشعار جناب ابوطالب روی آورده و در آخر، با یادکرد از علت درست معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بر پایه آیه یکم سوره اسراء، علل جعلی دیگر را مردود دانسته است. در مجموع دکتر عبدالرسول غفاری با احاطه به ادله چهارگانه به ویژه گزارشات تاریخی و به ویژه رجوع به منابع عامه توانسته مجموعه خوبی را در اثبات ایمان ابوطالب به سامان برساند.

کتاب‌نامه

۱. قرآن مجید
۲. الاحتجاج، خراسان، طبرسی، احمد بن علی، اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳. بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، طبری آملی، عمادالدین ابی‌جعفر محمد بن ابی‌القاسم، نجف: المكتبة الحيدرية، دوم، ۱۳۸۳ق.
۴. ایمان ابوطالب، الموسوی، فحنا بن معد، بحرالعلوم، محمد، قم: دار سیدالشهداء للنشر، ۱۴۱۰ق.
۵. کنز الفوائد، کراچی، محمد بن علی، نعمة، عبدالله، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
۶. شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مكتبة آية‌الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
۷. کتاب‌شناسی حضرت ابوطالب رضی الله عنه، انصاری قمی، ناصرالدین، بهمن ۹۹، <https://hawzah.net>
۸. سایت www.ghaffari.andishvaran.ir